



برخورد رفرمیسم راست و چپ و گرایش لغو کار مزدی به مبارزات کارگران شرکت واحد
تاریخ: جمعه، ۵ خرداد، ۱۳۸۵
موضوع: مطالب کارگری

جمشید کارگر

برخورد رفرمیسم راست و چپ یعنی گرایش سندیکالیستی و چپ سکتاریستی غیر کارگری به حرکات اعتراضی مطالباتی کارگران اتوبوسرانی شرکت واحد که در دو نوبت، ماه دی و بهمن ۸۴ به اعتصاب کوتاه مدت منتهی شد، در اساس یکسان بود. تمام تلاش عناصر این دو گرایش بورژوایی موجود در جنبش کارگری در تمام موضع گیری‌های کتبی و شفاهی‌اشان این بوده که از یک طرف نقش سندیکای کارگران شرکت واحد را در حرکت اعتراضی اخیر تعیین کننده نشان دهند و از طرف دیگر نقش و پتانسیل توده کارگران شرکت واحد در این حرکت، بویژه تحمیل پذیرش حربه اعتصاب به هیئت مدیره سندیکا را پوشیده نگاهدارند.

برآمد حرکت کارگران شرکت واحد برای گرفتن حق و حقوقشان مانند ۱۲۰۰ حرکت و اعتصاب کارگری در یک سال گذشته، کاملاً خود انگیزه بود و اصولاً با هیچ درک سندیکالیستی و غیره همراه نبود. چیزی که سندیکالیست‌ها و سکتاریست‌ها در نوشته‌هایشان مرتب روی آن تاکید می‌کنند. و در همین راستا در بعضی از نوشته‌هایشان درباره حرکت اخیر، هر جا از کارگران نام برده‌اند، آنان را به صفت سندیکالیست متصف کرده‌اند "کارگران سندیکالیست شرکت واحد!!"

اینان در همان حال بطور سیستماتیک در مصاحبه‌ها و نوشته‌ها و سخنرانی‌هایشان کوشیدند تا زیر نام تفاوت میان سندیکا و سندیکالیسم دقیقاً سندیکالیسم را ترویج نموده و کارایی آن را به کارگران بقیولانند. گرایش رفرمیستی راست و چپ نقش واقعاً محدود کننده سندیکای تازه بازگشایی شده این شرکت را نادیده می‌گیرد و بر آن سرپوش می‌گذارد، نقشی که مبتنی بر مضمون و ماهیت نظری و راهکارهای رفرمیستی یا سندیکالیستی این گونه تشکلات می‌باشد - علیرغم استقلال ظاهری آنها از دولت سرمایه‌داری.

نقش محدود کننده سندیکای شرکت واحد در روند اعتراضات کارگران این شرکت، خود را در دو مورد بوضوح نشان داد. مورد اول یک دوره نامه‌نگاری و مذاکره با مسئولین دولتی و شرکت، جهت طرح مطالبات کارگران بود، آنهم نه بعنوان ضرورت تاکتیکی بلکه همچون راه کار و شیوه گرفتن حق و حقوق که در رابطه با رژیم اسلامی سرمایه جز توهزایی هیچ نتیجه‌ای نداشته و ندارد. مورد دوم به سازش کشاندن غیر ضروری اعتصاب اول با اعتماد به وعده و وعید مسولین دولتی و شرکت واحد بود، آنهم در شرایط آمادگی و پتانسیل کافی اکثریت کارگران برای ادامه اعتصاب و عقب نشینی دولت سرمایه جهت خریدن وقت برای تدارک سرکوب، که در عمل همین گونه هم شد.

از آنجاییکه گرایش رفرمیسم راست یعنی سندیکالیسم، اصولاً معتقد به مبارزه صرفاً اقتصادی در چارچوب نظام سرمایه داریست، موضع گیری و برخوردشان به مبارزات اخیر کارگران شرکت واحد منطبق با استراتژی‌اشان یعنی محبوس کردن جنبش کارگری در نظام سرمایه و جلوگیری از رشد و توسعه گرایش ذاتی ضد سرمایه داری جذب طبقه کارگر می‌باشد.

گرایش رفرمیسم چپ در جنبش کارگری ایران که در احزاب و سازمان‌ها و گروه‌های سکتی و فرقه‌گرای مدعی کارگری و کمونیستی بودن، مادیت دارد، کار عمده‌اش در مراحل مختلف پروسه مبارزات کارگران واحد، جز جار و جنجال پیرامون بزرگ جلوه دادن فتوحات کارگران واحد نبود. آنچنان مبالغه‌ای راجع به دستاوردهای عظیم اعتصاب در نوشته‌هایشان راه انداختند، که گویی دچار خیال بافی شده‌اند. تمام این کارها را با هدف برجسته و تعیین کننده نشان دادن نقش سندیکا با برنامه‌های سندیکالیستی‌اش در این حرکت، انجام دادند. اطلاعیه‌ها و مقالات آنان در این دوران در باره حرکت اعتراضی کارگران واحد، گویای سیاست رفرمیستی سکتاریستی‌اشان می‌باشد.

گرایش رفرمیسم چپ در جنبش کارگری، حامل ائتلافی از گرایش‌های پوپولیستی، سوسیال دمکراتیک و ناسیونال خلقی غیرکارگری و نتیجتاً بورژوایی می‌باشد، که خارج از قدرت سیاسی بوده و در جهت کسب قدرت سیاسی و یا حداقل شریک شدن در حاکمیت سیاسی مبارزه می‌کند. موضع گیری‌های این گرایش نیز در اساس مانند سندیکالیست‌هاست

یعنی در راستای محدود کردن جنبش کارگری در چهارچوب نظام است، تا در مرحله‌ای از مبارزه طبقاتی، که بقول خودشان اعتلای انقلابی بوجود آمد، با سوار شدن بر موج سراسری اعتراضات و اعتصابات کارگری محصور در سندیکاها و اتحادیه‌ها به نمایندگی سیاسی طبقه کارگر به قدرت دست یابند و در بهترین حالت با استناد به فاز بندی تاریخی غیرضروری و از نظر تئوریک نادرست، در این زمان، به نام فاز اول سوسیالیستی با حفظ رابطه خرید و فروش نیروی کار، به سازماندهی سرمایه‌داری دولتی بپردازند، پدیده‌ای که چندین بار در تاریخ معاصر پیش آمده و تجربه شده است. بگذریم که در حال حاضر در دورانی متفاوت با زمانی که شرایط برای این جنبش‌های چپ بورژوازی مساعد بود، هستیم و می‌توان گفت هیچگونه شانس برای احزاب حامل این گرایش وجود ندارد که با نام کارگر و کمونیسم مانند سابق در یک سر بزنگاه تاریخی بقدرت برسند. این تفاوت دورانی هم از نظر ساختاری در نظام سرمایه‌داری و هم از نظر سیاسی در جنبش طبقه کارگر قابل بررسی می‌باشد که توضیح و بررسی آن مجال دیگری می‌طلبد.

رفرمیسم راست و چپ در جنبش کارگری برای پیشبرد برنامه سیاسی و راهکارهای عملی خود در این جنبش در تقابل با گرایش طبقاتی تاریخی کارگران یعنی گرایش ضدسرمایه‌داری، به هر روش ضد کمونیستی برای جلوگیری از گسترش گرایش ضدسرمایه‌داری در جنبش طبقه کارگر، متوسل می‌شود. در زمینه نظری، از برخورد غیر سیاسی گرفته تا تحریف مواضع گرایش ضد سرمایه، از تفسیرهای نادرست از آموزش‌های مارکس تا تحریف و تفسیر غیرتاریخی دیدگاه مارکس در باره اتحادیه‌های زمان خود و...، تمامی شیوه‌های مورد استفاده این گرایش بورژوازی در جنبش کارگری هستند.

نقد طبقاتی رفرمیسم راست و چپ بعنوان گرایش بورژوازی در جنبش طبقه کارگر، با نگاهی مارکسی بر متن پراتیک و مبارزات کارگران، بخش لاینفک کار آگاه‌گرانه گرایش ضدسرمایه‌داری و لغو کار مزدی در جنبش طبقه کارگر می‌باشد. بنابراین در این راستا، بر اساس اطلاعات و خبرهای دریافتی از ایران درباره حرکت اعتراضی کارگران شرکت واحد، تا حد توان به تشریح و تحلیل حرکت و مبارزه این کارگران می‌پردازیم و بر بستر مبارزه آنان، سعی در توضیح عملکرد گرایش سندیکالیستی درون آن می‌نماییم.

با شرح کوتاهی از روند شکل‌گیری اعتصاب کارگران، پروسه طرح خواسته‌های کارگران و نوع مقابله و مقاومت بورژوازی در برابر آن آغاز می‌کنیم: [1]

اسفند ماه سال ۸۳ آغاز طرح مطالبات کارگران شرکت واحد و تحرکشان برای تحقق آنها بود. این مرحله از حرکت کارگران که در اشکال آرام‌نامه نگاری و مذاکره با مسئولین شرکت توسط سندیکایشان صورت می‌گرفت، در فروردین ۸۴ جنبه عملی پیدا کرد. طی این پروسه که حاصلی جز وعده و وعید صرف از طرف مسئولین شرکت نداشت، کارگران به این نتیجه رسیدند که تنها مبارزه عملی می‌تواند دولت سرمایه را متوجه جدی بودن خواسته‌هایشان نماید. لذا در تجمع خویش در میدان آزادی پس از سخنرانی چند تن از کارگران، اعلام می‌کنند برای رسیدن به مطالبات خود، روز ۱۶ فروردین اعتصاب خواهند کرد. مسئولین شرکت برای جلوگیری از اعتصاب، نشست را با نمایندگانی کارگران پیشنهاد نمودند. بخشی از کارگران بعزت نگرش سندیکالیستی و گروهی بدلیل ناآگاهی و توهم، موافق این راهکار یعنی نشست و مذاکره با مسئولین شدند. از سویی دیگر توسط خانه کارگر این ارگان سرکوب سرمایه، یورش به نشست هیئت موسس سندیکای واحد صورت گرفت که باعث زخمی شدن کارگران حاضر در محل سندیکا، از جمله منصور اسانلو دبیر سندیکا گردید. نشست‌های مختلفی که در اداره کار و دیگر ادارات دولتی و منطقه بیلاقی تهران با نمایندگان سندیکا برگزار شد، طبق گزارش خود هیئت مدیره سندیکا، حاصلی جز فرسایش نیروی کار و ایجاد تفرقه میان کارگران نداشت. طبق همین گزارش، راهکار اعتصاب بارها از طرف بخشی از کارگران در نشست‌های سندیکا پیشنهاد شده بود، که پاسخ‌های مختلفی از طرف حاملین گرایش سندیکالیستی دریافت کرده بود، از این قبیل که اعتصاب آخرین حربه است و یا اینکه اگر نصف بعلاوه یک با اعتصاب موافق باشند، در هر مقطعی می‌توان به آن اقدام نمود. در ضمن در گزارش هیئت مدیره سندیکا از اعتصاب، به عنوان راهکاری برای اخذ مطالبات در روزهای آینده یاد شده بود.

یک چنین تلفی از اعتصاب که در روند مبارزه ضرورت خود را باثبات رساند، باعث شد تا نسبت به اقدامات تدارکاتی جهت آمادگی سازماندهی آن کم توجهی شود و نتیجتاً نسبت به رویکردهای دیگر مانند نشست و مذاکره با مسئولین، از انسجام و تشکل لازم برخوردار نباشد، و به همین علت بسیار ضربه‌پذیر گردد. ناگفته نماند که مذاکره و نشست نیز با دشمن طبقاتی در شرایطی می‌تواند بعنوان وسیله‌ای جهت پیشبرد مبارزه بکار رود، اما آنجا که بسان تنها راه تحقق مطالبات کارگری قلمداد می‌شود و فرارفت از آن به اعتصاب، به خاطر زیر سوال بردن چهارچوب سرمایه، نفی می‌گردد، در واقع تبدیل به سدی در مقابل کارگران برای پیشبرد مبارزاتشان می‌شود. چنین نگرشی که همان سندیکالیسم می‌باشد، تشکیلات کارگری را با هر نامی به مانعی در مقابل مبارزه طبقاتی کار علیه سرمایه تبدیل می‌کند.

در ادامه حرکت اعتراضی، کارگران شرکت واحد تصمیم به اعتصاب در دی ماه گرفتند. از آن جاییکه عوامل سرمایه از مذاکره و نشست برای منصرف کردن کارگران از اعتصاب نتیجه‌ای نگرفته بودند، دفتر سندیکا در میدان حسن آباد را بستند و اکثر افراد هیئت مدیره را دستگیر و زندانی نمودند. متعاقب آن کارگران با تجمع در مقابل سندیکا خواستار باز گشایی آن و آزادی هیئت مدیره‌اش شدند. با وجودی که تجمع اعتراضی کارگران توسط نیروهای انتظامی محاصره بود، آنان از ساعت ده تا یک و نیم بعدازظهر به تجمع خود ادامه دادند. سپس با صدور اعلامیه‌ای یکشنبه را روز اعتصاب اعلام کردند. باین ترتیب توده کارگر که از ماه‌ها قبل نیز اعلام آمادگی برای اعتصاب کرده بود، در این روز یعنی یکشنبه اعتصاب نمود. شب همان روز هیئت مدیره سندیکا بجز منصور اسانلو آزاد شدند. کارگران برای آزادی اسانلو و باز گشایی سندیکا و گرفتن مطالبات دیگر خود، به فعالیت ادامه دادند.

چون این بار نیز مانند گذشته، مذاکرات هیئت مدیره سندیکا با مسئولین دولت برای آزادی اسانلو و دیگر مطالبات نتیجه‌ای نداشت، مجدداً زرمه اعتصاب میان کارگران آغاز گردید، بطوری که بخشی از کارگران به هیئت مدیره فشار می‌آوردند تا زمان اعتصاب را اعلام کنند. همزمان با این جنب جوش، تجمع اعتراضی کارگران واحد در اعتراض به لغو انتخابات تعاونی مصرف شرکت از طرف مدیر تعاونی، صورت گرفت. در واکنش به این تجمع، شهردار تهران در دو نوبت از کارگران شیفت صبح و بعدازظهر جهت مذاکره دعوت بعمل آورد، این امر برخلاف دفعات قبل بود، که عمدتاً مذاکرات و نشست‌ها با حضور هیئت مدیره سندیکا صورت می‌گرفت. بهر حال در این گرد همایی کارگران شیفت بعدازظهر در استادیوم آزادی، بعد از سخنرانی قالیباف شهردار تهران، یکی از اعضای هیئت مدیره سندیکا را بر دوش گرفته به نزدیکی میکروفن بردند تا ایشان از طرف آنان خواسته‌های برحقشان را یک بار دیگر مطرح کند، اما این عضو هیئت مدیره از صحبت کردن خودداری کرد. در پایان مراسم کارگران مطالبات خود را که در صدر آنها آزادی اسانلو قرار داشت در قالب شعارهایی بگوش مسئولین رساندند.

عوامل سرمایه و مسئولین شرکت کاملاً درک کرده بودند که این توده کارگر شرکت واحد است که بنا به شرایط کار و استثمار خویش در تحقق مطالباتش جدی و پیگیر هست و آنجا که به هر بهانه ای سندیکا از بیان خواسته‌هایش خودداری کند، توده‌های کارگر خود آنها را مطرح می‌سازد. بدنبال اعتصاب و تحصنی که داشتند، فرایند غلبه خودانگیزگی ضدسرمایه‌داری توده‌های کارگر واحد بر راه‌های سندیکالیستی، برای بورژوازی آشکار شده بود.

کارگران شرکت واحد با عدم تبعیت از خط مشی سندیکالیستی، بعلت پی بردن به سترون و بی نتیجه بودن مذاکرات و فریبکاریهای عوامل سرمایه در این رابطه، راهکار درست خود را برگزیدند، یعنی تصمیم به اعتصاب گرفتند. بعد از جلسات مکرر هیئت مدیره سندیکا، بخشی از هیئت مدیره که مخالف اعتصاب بود سرانجام با اعتصاب موافقت کرد و این دقیقاً بخاطر تأثیر برخورد توده کارگران در استادیوم آزادی بر آنان بود. باین ترتیب اگر بخشی از هیئت مدیره توانست مخالفین اعتصاب در هیئت مدیره را در این رابطه قانع کند، با اتکا به نیروی توده کارگران بود که در استادیوم آزادی در قالب شعار، نظر قطعی خود را بیان کرده بود، که آن اعلام اعتصاب برای اخذ مطالباتشان بود.

طی دو روزی که به زمان اعتصاب در ۸ بهمن ۸۴ مانده بود، عوامل بورژوازی با خروج تعداد زیادی از اتوبوس‌های شرکت به پارکینگ چیتگر، مانور اتوبوس‌ها در شب قبل از اعتصاب به رانندگی نیروهای مزدور بسیجی و پاسدار، دستگیری وسیع کارگران، یورش وحشیانه به خانه‌های کارگران فعال در اعتصاب برای گرفتن آنان، که تا دستگیری همسر و فرزندان دو تن از اعضای هیئت مدیره نیز کشیده شد، اعتصاب کارگران واحد را در ساعات آغازین آن، ددمنشانه سرکوب کردند. با این وجود در بعضی از مناطق واحد، کارگران در برابر نیروهای انتظامی، که بزور کارگران را وادار به رانندگی اتوبوس‌ها می‌کردند، ایستادگی و مقاومت کردند، از جمله در منطقه یک شرکت واحد، کارگران در مقابل سرکوب نیروهای انتظامی تا ساعت ۱۰ ایستادگی نمودند که با دستگیری کارگران راننده، مقاومت آنان پایان یافت. به هر حال با اعتراضات خانواده‌های کارگران، تعداد زیادی از کارگران آزاد شدند ولی به چند صد نفر از آنان اجازه بازگشت به کار داده نشد. در ضمن تا آن مقطع زمانی چند تن از اعضای هیئت مدیره همچنان در زندان بسر می‌بردند.

در روند مبارزات کارگران اتوبوس رانی تهران و حومه شرکت واحد، می‌توان عملکرد دو گرایش اساساً متفاوت را برای رسیدن به مطالبات جاری کارگران مشاهده کرد. گرایش سندیکالیستی و گرایش خود انگیخته ضد سرمایه داری. گرایش سندیکالیستی که عمدتاً توسط هیئت مدیره سندیکا و بخشی از اعضای آن نمایندگی می‌شد، بر این باور بود که از طریق مذاکره و گفتگو می‌توان به خواست‌ها رسید و این را تنها راهکار می‌دانست که نمود آن را در برنامه‌های آموزشی کارگران در سندیکا نیز می‌توان دید، که بیشتر حول قانون کار، قوانین مربوط به شورای اسلامی کار و ... می‌باشد. تمام سعی و کوشش این گرایش رفرمیستی در جهت تحمیل این باور به کارگران بوده و است، که مبارزه آنان صرفاً اقتصادی می‌باشد و بنابراین خود را باید از گرایش‌های ضدسرمایه‌داری جنبش کارگری جدا نگهدارد. در همین رابطه سندیکا را با ساختار خاص آن، تنها تشکیلات مناسب برای رسیدن به اهدافش می‌دانست و می‌داند.

گرایش دیگر که عمدتاً توده های کارگر بطور خود انگیخته حامل آن بودند، گرایش نامنجم، هم از نظر دیدگاه و آگاهی و هم از لحاظ بی سازمانی، ضد سرمایه داری می باشد که از ژرفنای زندگی مشقت بار و شرایط رنج آور کار و استثمار آنان نشأت می گیرد. توده کارگر در عمل اعتراضی اش پی برده و می برد که مبارزه اشان توأم با اقتصادی، سیاسی می باشد.

در این قسمت از نوشته، به محتوا و هدف حمایت اتحادیه های بین المللی باصطلاح کارگری از مبارزات کارگران واحد و همچنین تحلیل ها و راه حل های گرایش لغو کار مزدی در مورد این مبارزات می پردازیم:

۱. حمایت های اتحادیه های بین المللی کارگری از مبارزات کارگران شرکت واحد و اهداف آنها از این حمایت ها:

حمایت های اتحادیه های کارگری جهانی مانند ای ال او و آی سی اف تی یو از مبارزات کارگران شرکت واحد، محتوایی کاملاً اتحادیه گرایی داشت و با هدف دفاع از راهکار های سندیکالیستی برای رسیدن به مطالبات از طریق مذاکره بود، روشی که چهارچوب نظام سرمایه را رعایت کرده و خدشه ای به آن وارد نسازد. بعنوان مثال در اطلاعاتی سندیکا و اتحادیه آی سی اف تی یو از آزادی تشکیل کارگری دفاع نشده است، زیرا حرکت حمایتی اتحادیه های جهانی در این موارد صرفاً تقویت یک گرایش است و آن تریدیونیویسم و سندیکالیسم می باشد، گرایشی که مبارزه اش محدود به چهارچوب سرمایه و راه حل عملی اش مذاکره و چانه زنی، با در نظر داشتن ملزومات نظم سرمایه است. به همین علت است که گرایش رفرمیسم راست و چپ در راستای سیاست سندیکالیستی و اتحادیه گرایی اش، حمایت های کاغذی، بورکراتیک و بی حاصل سازمان ها و نهاد های بین المللی باصطلاح کارگری! مانند آی ال او و کنفدراسیون اتحادیه های آزاد کارگری، از حرکت کارگران شرکت واحد و سندیکای آنان را، تا حد حمایت تاریخی کارگران جهان از جنبش کارگری ایران قلمداد کرده و می کند!!

۲. تحلیل ها و راه حل های گرایش لغو کار مزدی در مورد مبارزات و اعتصاب کارگران شرکت واحد:

فعالین گرایش لغو کار مزدی با استناد به مدت مدیدی که کارگران واحد نازل ترین میزان بهبود در وضعیت معیشتی خویش را با مسالمت از دولت سرمایه داری درخواست کرده و هیچ پاسخ مثبتی دریافت نکرده بودند، و همچنین بر اساس تجربه خیزش خود کارگران، مستدل کردند که تحقق هر مطالبه و حق طبقاتی کارگران بدون اعمال قدرت مادی طبقاتی ممکن نیست، چرا که مذاکره و گفتگو جهت اخذ خواست های برحقشان، نه تنها نتیجه ای در بر نداشت، بلکه منجر به دستگیری و زندانی شدن شماری از همکاران و فعالین آنان توسط رژیم جنایتکار سرمایه گردید. اما اقدام به اعتصاب در دی ماه، باعث جدی تلقی شدن مطالباتشان از سوی دولت سرمایه داری شد و همین طور سبب آزادی بیشتر همکارانشان نیز از زندان گردید.

در مورد درخواست کارگران واحد مبنی بر ایجاد سندیکا که در اعتصابشان نیز بر آن تاکید داشتند، بر اساس آشنی ناپذیر بودن قانونمند منافع طبقه کارگر با طبقه سرمایه دار و مبارزه طبقاتی مستمر بین این دو طبقه اصلی و نتیجتاً فقدان هر گونه راه حل مسالمت آمیز و قانونی و حقوقی و مدنی برای آشنی پذیر کردن این تضاد منافع طبقاتی و اینکه عملکرد هر نوع قانونیت و قراردادیت در جوامع سرمایه داری صرفاً در جهت حفظ و خود گستری سرمایه می باشد، فعالین گرایش لغو کار مزدی با توضیح پیرامون درک کارگران واحد از سندیکا بعنوان تشکل متحد کننده اشان در اعمال قدرت جمعی آنان در پیشبرد مبارزات طبقاتی اشان، به مشخص کردن تعارض بسیار فاحش این درک رادیکال از سندیکا با ماهیت خود سندیکا در دنیای واقعی و عرف جهان موجود، پرداختند. زیرا ظرفی که کارگران واحد در پی آن بوده و هستند، که می تواند به هر نامی از جمله سندیکا نامیده شود، با سندیکا به مفهوم رایج و متعارف تکنونی اش، از زمین تا آسمان تفاوت دارد. سندیکا به این اعتبار نهادی منحل و مستحیل در ساختار نظم انسان ستیز سرمایه و سازمانی از دستگاه عریض و طویل قانون پردازی ضد کارگری سرمایه داری است. و بهمین ترتیب نه تنها بستر بسیج سازماندهی قوا علیه سرمایه داری که پلکان عروج یک دارو دسته الیت زیر نام کارگران به عرصه چون و چرا با سرمایه داران برای به سازش کشاندن جنبش ضد سرمایه داری کارگران و دفن کامل این جذبش در گورستان تسلیم به بردگی مزدی است. همچنین با استناد به تجربه تاریخی ماهیت بورژوازی و نقش اتحادیه های کشورهای غربی و دیگر جوامع در رابطه با جنبش های کارگری اشان، به تشریح اهداف حمایت این اتحادیه ها از حرکت کارگران شرکت واحد و یا محکومیت دستگیری فعالین و اعضا هیئت مدیره سندیکا واحد و فعالین کارگری دستگیر شده در اول ماه مه ۲۰۰۴ سقز، پرداختند. اهدافی که نه فقط ربطی به حمایت انترناسیونالیستی کارگری از مطالبات و مبارزات کارگران ندارد که صرفاً تجسم تلاش این اتحادیه ها برای متوهم نمودن کارگران جهان و بهره گیری از این توهم در کار بند بازی اپورتونیستی میان بخش های مختلف بورژوازی بوده و می باشد.

با نگاهی به سیر حوادث ماههای اخیر مبارزات کارگران واحد، می توان دو مرحله متفاوت از نظر راحل و راهکار

را از هم تفکیک کرد، مرحله سندیکالیستی که در چهارچوب قانون و قانونمداری برای خواسته‌هایی مانند افزایش دستمزد، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و احیای سندیکا صورت گرفت و در اشکال برگزاری نشست و مذاکره بدون اخذ هیچ گونه نتیجه‌ای پیش رفت و مرحله غیر سندیکالیستی یعنی خودجوش و خودانگیخته با اقداماتی نظیر روشن کردن غیرقانونی چراغ اتوبوس‌ها در روز، عدم مطالبه باز هم غیرقانونی بلیط از مسافران و نهایتاً اقدام به اعتصاب که آنهم در جمهوری اسلامی سرمایه حرام یعنی غیرقانونی می باشد.

فعالین گرایش لغو کار مزدی به کارگران واحد بدرستی خاطر نشان کردند که از مقطع گسست این کارگران از راهکارهای سندیکالیستی و روی آوری به راهکارهای فراقانونی و رادیکال، نه تنها مطالباتشان از طرف دولت بورژوازی جدی گرفته شد، همچنین به آزادی تعداد زیادی از فعالین دستگیر شده آنان انجامید.

در این مرحله هر حرکت پیشرونده کارگران از نوع اقدامات اتحادیه‌گرایانه و سندیکایی نبود زیرا کارگران واحد یعنی توده راننده به صورت خود جوش و خودانگیخته علیه دستگیری رفقاییشان تظاهرات نمودند، اقدامی که توسط سندیکاها و اتحادیه‌های موجود در دنیای سرمایه‌داری محکوم و بی‌شرمانه علیه آن تبلیغ می‌گردد. در بستر تظاهرات خودجوش مبتنی بر اراده آزاد آحاد توده خویش، تصمیم به سازماندهی اعتصاب گرفتند و فردای آن روز اعتصاب نمودند، اقدامی که از طرف اتحادیه‌های موجود نه تنها محکوم بلکه باز هم با بیشرمی تمام، هم صدا با سرمایه جهانی، اعتصاب وحشی قلمداد می‌شود. آنان در تمامی ابتکارات و خیزش‌های خود در این مرحله بدون آنکه شورایی داشته باشند، شورایی عمل کردند. در حالیکه از سندیکا سخن می‌گفتند، مبارزه‌اشان غیر سندیکایی و غیر اتحادیه‌ایی بود. در حالی که از رجوع به قانونیت سرمایه آغاز نمودند، هیچ راهی جز پشت پا زدن به این قانون نیافتند. در تمام لحظات این مبارزه خود را نیازمند حمایت کل کارگران ایران و دنیا احساس کردند، زیرا این حمایت یکی از مبرم‌ترین نیازهای پیشبرد مبارزه طبقاتی‌اشان بوده و می‌باشد. با وجودی که کارگران واحد از بکار بردن شعارهای سرمایه ستیز و ضد کار مزدی اجتناب کردند، اما جبر پیشبرد مبارزه طبقاتی، آنان را به عرصه مصاف مستقیم با سرمایه سوق داد. این واقعیات نشان می‌دهد که توده کارگران شرکت واحد، سندیکالیست و اتحادیه‌گرا نیستند. زیرا جنبش اتحادیه‌ای نه بستر تعرض علیه سرمایه، بلکه بن بست کور و گورستان آن است. سندیکایی که سندیکالیست‌ها در میان آنان تبلیغ می‌کنند با سندیکایی که آنان می‌خواهند، تفاوت اساسی دارد. آنها بعضاً یا شاید همگی ادعا می‌کنند که سندیکالیست نیستند و گاه اصرار می‌ورزند که حساب سندیکای مورد نظرشان از سندیکالیست بودن جداست. در عین حال که بحث بر سر الفاظ نیست، اینکه آنان چه می‌گویند و چه می‌خواهند، از راه حلها و راهبرد هایشان کاملاً آشکار است. در این میان این امر مسلم است که آنچه کارگران شرکت واحد می‌خواهند نه اتحادیه، نه سندیکالیسم در پوشش سندیکا، نه سندیکالیسم زیر نام رمز جدایی حساب سندیکا از سندیکالیسم، بلکه یک تشکل سراسری ضد سرمایه‌داری است. تشکلی که بدون رجوع به قانون و قانونیت سرمایه‌داری و با نیروی متحد طبقاتی خود کارگران ایجاد شود. تشکلی که کل طبقه کارگر از راننده، نفتگر، معلم، پرستار، کارگر برق و آب، لاستیک و اتومبیل، کشاورزی، ذوب آهن، نساجی و همه توده‌های دیگر این طبقه را علیه موجودیت سرمایه داری در بر گیرد.



[1]. با سپاس از بهرام دزکی به خاطر زحماتشان، در این مقاله اطلاعات بسیار مفید مقالات ایشان در مورد روند شکل‌گیری اعتصاب کارگران شرکت واحد مورد استفاده و مبنای بحث قرار گرفته شده است.

منبع این مقاله : Site Kaargarane Pishraw

[/http://kaargar.com](http://kaargar.com)

آدرس این مطلب :

<http://kaargar.com/modules.php?name=News&file=article&sid=97>

PHP-Nuke INP © IranNuke.com